

چکیده

طبق اطلاعاتی که در دست است، آقا سید محمد علی گلریز در جلد اول اثر خود تحت عنوان مینودر اطلاعاتی را به طور مختصر و در حدود یک صفحه درباره حمام صفا در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. دیگر محققان هم اگر به عللی خواسته‌اند درباره این حمام سخنی به میان آورند، همان مطالب را به اضافه اطلاعات جدیدی که از چند سطر تجاوز نمی‌کند، نقل قول کرده‌اند. بنابراین ما جهت مطالعه ژرفانگر، چند ماه متوالی و در روزهای مختلف، ضمن هماهنگی قبلی با مالک حمام در میدان تحقیق حضور یافتیم و پرسشهای از قبل تنظیم شده‌ای را در زمینه معماری و تغییراتی که این حمام از زمان تأسیس تا به امروز با توجه به شرایط زمان متحمل شده است، مطرح کردیم. همچنین نقشی را که این حمام در زندگی روزمره مردم و در تجمع و برگزاری مراسم گوناگون و تشریفات خانوادگی و پایان دادن به منازعات و گذراندن اوقات فراغت داشته است، مورد بررسی قرار داده‌ایم. واژگان کلیدی: حمام صفا، معماری، کارکردهای اجتماعی - فرهنگی، شهر قزوین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه

مردم ایران، چه پیش و چه بعد از ظهور اسلام به پاکیزگی اهمیت زیادی می‌دادند. اما بعد از ظهور اسلام این موضوع تشدید شده است (پیرنیا، ۱۳۷۴، ۱۹۷)؛ زیرا همان طور که می‌دانیم هر فرد مسلمان برای اقامه هر نمازی اعم از واجب و مستحب و لمس کردن اشیاء متبرک و وارد شدن به مکانهای مطهر، ملزم به وضو گرفتن است (محمودی، ۱۳۷۰، ۴۹). از این روست که حمامهای عمومی یکی از ضروریات زندگی مردم در روستاها و شهرها بوده و بسیاری از مردم به قصد تطهیر و غسل از آنها استفاده می‌کرده‌اند. البته از حمام تنها برای نظافت استفاده نمی‌نمودند؛ بلکه برای رفع خستگی و تخفیف دردها و معالجه برخی بیماریها، حجامت، رگ زدن، خودآرایی

خضاب و حنا مالیدن به ناخنها و موی سر و ریش و یا تراشیدن موی سر و صورت استفاده می‌شده است. در ضمن در گذشته حمام جای مناسبی برای ملاقاتها و گفتگوهای دوستانه مردان و زنان و خواستگاری دختران و تشخیص زشتی و زیبایی

آنان نیز بوده است (راوندی، ۱۳۷۲، ۴۹۵-۵۰۵). همچنین، بسیاری از مراسم گوناگون و تشریفات خانوادگی در حمام برگزار می‌گردید؛ مانند حمام بردن عروس همراه مشاطه و داماد با ساز و دهل یا حمام زایمان بانوان یا دعوت به حمام جهت پایان دادن به مراسم سوگواری و عزاداری یا حنا بستن و اصلاح موهای سر و صورت بازماندگان شخص متوفی که به وسیله یکی از بزرگان محلی انجام می‌شد و با پذیرایی همراه بود و یا حمام ختنه سوران پسر بچه‌ها و بسیاری از امور دیگر که هر یک با رسم و آیین خاصی انجام می‌گرفت. بالاخره برخی از حمامهای قدیمی منشأ حوادث بزرگ و شاهد مناظر پرهیجانی بوده که گاهی بر اثر آنها مسیر تاریخ یک باره تغییر یافته و دگرگونیهای کلی در سرنوشت جامعه پدید آورده است؛ مانند حمام فین کاشان که امیرکبیر را در آن به قتل رساندند (نراقی، ۱۳۶۸، ۳۵).

با توجه به آنچه گفته شد بررسی حمامهای سنتی از بُعد معماری، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و... و حفظ و مرمت آنها به عنوان میراث فرهنگی جهت شناساندن آنها به مردم و نسلهای آینده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این بررسی ما حمام صفا را از لحاظ معماری از یک طرف و برخی کارکردهای اجتماعی - فرهنگی آن از طرف دیگر مورد پژوهش قرار داده‌ایم. امید است که در آینده بتوانیم جنبه‌های دیگر این بنای تاریخی را مورد کنکاش قرار دهیم تا اهمیت آن بر آیندگان آشکار شود.

ضرورت تحقیق

استان قزوین با قدمت چند صد ساله خود یکی از حوزه‌های فرهنگی غنی کشور به شمار می‌رود. آثار تاریخی به جامانده در این استان، همچون بازارها، کاروان سراها، آب انبارها، چهل ستون، مساجد، حمامها و... گواهی بر این مدعاست. این آثار ارزشمند و ارزشهای نهفته در آنها جز برای عده‌ای متخصص، برای اکثریت مردم ناشناخته مانده است. شناخت این آثار، مرمت و بازسازی و معرفی کارکردهایی که آنها در زمان خود داشته‌اند، نه تنها برای مردم ایران بلکه برای توریستهایی که علاقمند به آگاهی از فرهنگ ایران هستند، جالب توجه خواهد بود. و این امر سبب پویایی صنعت گردشگری و تأثیر پیامدهای مثبت آن بر زندگی مردم این منطقه خواهد شد.

محلی ، حمام بردن داماد و عروس ، خاتمه دادن به اختلافات و درگیری ها ، از عزا در آوردن سوگواران و همچنین در گذراندن اوقات فراغت جوانان ، ایجاد روحیه صفا و صمیمیت و ... نقش ارزنده ای داشته است . این نقشها برای بسیاری از مردم تا به امروز ناشناخته مانده است و باید با پژوهشهای ژرفانگر به مردم معرفی شود ؛ ولی شرایط اجتماعی و اقتصادی امروز به گونه ای است که هر آنچه را که به گذشته مربوط می شود ، باید به دست فراموشی سپرد و با داس مرگ آنها را درو کرد . در حالی که باستان شناسان با صرف هزینه های گزاف با کاوش و خاک برداری در پی یافتن نشانه هایی از محیط زیست و اقتصاد معیشتی ساکنان مناطق مختلف کشور در دورانهای پیش از تاریخ می آیند . ما امروزه شاهد تخریب و از بین رفتن بسیاری از آثار تاریخی استان قزوین مانند بازارها ، کاروان سراها ، آب انبارها و ... هستیم . بیم آن می رود که این حمام تاریخی با توجه به وسعت آن و قرار گرفتن در خیابان پر تردد و تجاری مولوی و ارزش اقتصادی پیدا کردن زمین آن ، با قیمت خوبی به فروش رود و جای آن را فروشگاههای مختلف که با بافت سنتی منطقه بیگانه خواهد بود و موجب از هم گسیختگی فرهنگی خواهد شد ، پر کنند . بنابراین شایسته است تا مسؤولان سازمان میراث فرهنگی استان قزوین این اثر ملی را حفظ و با تغییر کاربری آن به فرهنگی از تخریب آن جلوگیری به عمل آورند .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پی نوشت ها :

- ۱- ترنابازی یا درنا بازی ، نوعی بازی که در آن یکی شاه و یکی دزد شود و برای اجرای حکم شاه با ترنا به تن دزد زدند . نجفی ، ابوالحسن ، فرهنگ فارسی عامیانه ، جلد اول ، انتشارات نیلوفر ، تهران ، ۱۳۷۸ ، ص ۳۰۹ .
- ۲- گل یا پوچ ، نوعی شرط بندی یا قرعه کشی ، بدین صورت که دو مشت بسته خود را که یکی خالی و دیگری پر باشد به طرف نشان دهند ، از او می خواهند که مشت پر را پیدا کند . نجفی ، ابوالحسن ، فرهنگ فارسی عامیانه ، جلد دوم ، انتشارات نیلوفر ، تهران ، ۱۳۷۸ ، ص ۱۲۴۶-۱۲۴۷ .
- ۳- مطالعات لوله کشی آب قزوین در سال ۱۳۴۲ آغاز گردید و سه سال بعد یعنی در سال ۱۳۴۵ ، لوله گذاری در نقاط مختلف شهر شروع شد و تا سال ۱۳۴۷ نیمی از شهر از آب لوله کشی استفاده می کردند . موسوی ، سید جواد ، رئیس آب و فاضلاب استان قزوین .

محاكم رسمی فیصله می یابند. در ضمن در دسرها و تشریفات رسمی داوری، طرفین درگیر را به استفاده از راههای غیر رسمی تشویق می کند.

از طرف دیگر مراجعه به دادگاه، برای طرفین دعوی که برقراری مجدد مناسبات اجتماعی برای آنها حائز اهمیت است، مناسب نیست (دانیل بیتس - فرد پلاک، ۱۳۷۵، ۶۳۹). در ضمن هنوز افکار عمومی پذیرای خاتمه دادن به اختلافات در چارچوب نظامهای رسمی نیست و مراجعه به دادگاه برای رفع اختلافات خانوادگی و محلی دارای قباحت است. از این جهت از روشهای میانجی گری استفاده می شود. برای خاتمه دادن به این اختلافات، فردی به نام واسطه که معمولاً از افراد با نفوذ و مورد احترام طرفین است، با تشویق دوستان و آشنایان طرفین درگیر پا پیش می گذارد و آنها را به ملاقات با یکدیگر در حمام دعوت می کند. دو طرف شاکی به همراه دوستان و خویشاوندان خود در روز مقرر در حمام مورد نظر حضور پیدا می کنند. پس از استحمام هر یک از طرفین به اتفاق اعضای گروه خود در گوشه ای از حمام اجتماع می کنند. ابتدا واسطه شروع به سخن گفتن می کند و با استعانت از کلمات معصومین، دو طرف درگیر را تشویق به آرامش و خویشتن داری و برقراری روابط اجتماعی می کند. آن گاه از هر یک از شاکیها و شاهدان عینی آنها

حمام صفا واقع در خیابان مولوی شهر قزوین با معماری منحصر به فرد خود که یادگار عصر قاجاریه است، تا به امروز از دستبرد تیغه های لودر و مدفون شدن در زیر ساختمانهای جدیدالتأسیس در امان مانده است

می خواهد تا دلایل خود را مطرح کنند. چون محیط غیر رسمی است، طرفین خیلی راحت می توانند مسائلشان را به طور کامل بیان کنند. واسطه پس از استماع اظهارات و دلایل طرفین و شهودهای آنها به داوری می پردازد و از دو طرف درگیر می خواهد با

قراردادن دست خود بر روی قرآن و بایاد خدا و سوگند خوردن، دشمنیها و کدورت های خود را کنار بگذارند و گذشته ها را فراموش کنند و مجدداً روابط اجتماعی شان را به طور معمول از سرگیرند. پس از این مراسم از طرفین با چای و شیرینی پذیرایی می شود.

نتیجه گیری

حمام صفا واقع در خیابان مولوی شهر قزوین با معماری منحصر به فرد خود که یادگار عصر قاجاریه است، تا به امروز از دستبرد تیغه های لودر و مدفون شدن در زیر ساختمانهای جدیدالتأسیس در امان مانده است. این بنای تاریخی که رازهای بسیاری را در خود پنهان دارد، در تجمع افراد، آگاهی از حوادث زندگی، پیوندهای اجتماعی، مشارکت فعالانه مردم در حیات جمعی، برگزاری مراسم و تشریفات خانوادگی و

پذیرایی می شوند. در غیر این صورت شام را هم در حمام حمام عروس در همان روز ولی زودتر از حمام و نواختن آهنگهای شاد مشغولند و مدعوین هم به شادی و پایکوبی می پردازند. پذیرایی کنندگان یا دوستان داماد هستند و یا این که کارگران حمام این وظیفه را به عهده دارند. به هنگام پایان مراسم عده ای از نزدیکان داماد لباسهای او را پنهان می کنند و تا انعام به آنها داده نشود، محل مخفیگاه را فاش نمی کنند. بعد از اتمام مراسم، داماد را با سلام و صلوات از حمام خارج می کنند.

۴- حمام عروس

حمام عروس در همان روز ولی زودتر از حمام داماد برگزار می شود. این مراسم توسط خود خانمها به اجرا در می آید و تنها کاری که صاحب حمام باید انجام دهد، این است، که یکی از کارگران خود را طی مدتی که مراسم ادامه دارد، در اطراف حمام بگمارد تا نامحرمی پنهانی به پشت بام نرود و مزاحمتی برای خانمها ایجاد نکند. پس از پایان مراسم، عروس را در حالی که چادر سرش کرده اند و او روی خود را به شدت پوشانده است، با هلهله و شادی از حمام خارج می کنند.

۵- از سوگ در آوردن عزاداران

پس از این که خانواده ای یکی از عزیزان خود را از دست داد، صاحبان عزای لباس سیاه به تن می کنند و در سوگ او به ماتم می نشینند و از آرایش خود و تراشیدن موی صورت خودداری می کنند و از شرکت در مجالس عقد و عروسی خودداری می نمایند. صاحبان عزای به پاس محبتهای دوستان، خویشاوندان و همسایگان و این که بسیاری از آنها مجالس عقد و عروسی خود را به احترام متوفی و کسان او عقب انداخته اند، می کوشند که تا این مراسم برای مدت زیادی به تعویق نیفتند (همایون، ۱۳۷۱، ۵۵۷). پس از این که هفت متوفی سپری شد، یکی از بزرگان محل پیش قدم می شود و از خانواده متوفی درخواست می کند تا از سوگ به در آیند. به این ترتیب آنها را به سلمانی می برند تا موی سر و صورت را اصلاح کنند. سپس به حمام می روند. پس از استحمام لباس سیاه را از تن بیرون می آورند و لباسهای رنگی می پوشند.

۶- رفع اختلافات

هر جامعه ای روشهایی را برای پایان دادن به منازعات و جلوگیری از انحرافات دارد که متأثر از فرهنگ آن جامعه است. این تفاوتها می تواند رسمی یا غیررسمی باشد. در جامعه ما با وجود دادگاهها، بیشتر دعوای خانوادگی و محلی در خارج از حیطه

برای زنان که بیشتر اوقات خود را دور از اجتماع و در چهار دیواری خانه سپری می کردند، رفتن به حمام بالاترین وسیله شادی و تفریح به شمار می آمد و آنها قرار ملاقاتهای دوستانه خود را در حمام می گذاشتند (هانری، ۱۳۷۸، ۱۶۹). مذاکرات خصوصی خانمها با یکدیگر در حمام صورت می گرفت و آنها تازه ترین رویدادهای شهری را در حمام با یکدیگر در میان می گذاشتند (پولاک، ۱۳۶۱، ۲۴۷). در هر گوشه ای از حمام عده ای از زنان مشغول درد دل می شدند. رازها و ماجراهای داخلی و اخلاق و اطوار و مهر و بی مهری شوهرانشان را با یکدیگر به میان می گذاشتند و به شکوه و شکایت و صلاح اندیشی با گیس سفیدان می پرداختند (راوندی، ۱۳۷۲، ۵۱).

حمام، محلی بود که زنان می توانستند برای برادران و فرزندان خود دختری شایسته برگزینند؛ زیرا علاوه بر صورت ظاهر و سلامت و زیبایی اندام از نجابت و عدم نجابت و سنگینی و جلفی دختر اطلاع پیدا می کردند. چه دخترهای نجیب خانواده دار و با اصل و نسب بیش از هر مکان در حمام از دختران بی بند و بار و سبکسر متمایز می گردیدند (شهری، ۱۳۷۰، ۵۴۴).

جوانان هم در بیشتر شبهای ماه رمضان در حمام جمع می شدند و اوقات خود را با ترنا بازی و گل یا پوچ سپری می کردند. در جریان این بازیها و گردهمائیها بسیاری از کدورتها، دشمنیها و رنجشها، طی مراسمی گرم و با فرستادن صلوات و خوردن چای و زولبیا از بین می رفت و محیطی سرشار از صفا و صمیمیت و جوانمردی به وجود می آمد (ورجاوند، ۱۳۷۳، ۲۳۳).

۳- حمام دامادی

چون در هر ماه غیر از ایام سوگواری چندین حمام دامادی برگزار می شود، داماد می بایست از قبل برای رفتن به حمام با صاحب آن هماهنگی لازم را به عمل آورد. صاحب حمام روز خاصی را برای برگزاری این مراسم در نظر می گیرد و تمهیدات لازم را از قبیل: صابون، حنا، تیغ، داروی نظافت و... تدارک می بیند. در روز تعیین شده داماد به اتفاق دوستان و خویشاوندان نزدیک خود با ساز و دهل وارد حمام می شود. چون این حمام تقریباً چهار ساعت طول می کشد، لازم است وسایل پذیرایی از مهمانان مهیا شود. گاهی داماد،

دوستان و خویشاوندان او بعد از صرف شام به حمام می روند که در این حالت مدعوین با توجه به فصل سال با شربت و میوه و شیرینی و چای

امروزه حمام صفا با تغییراتی که از چند دهه گذشته در فضاهای مختلف آن به وجود آورده اند، توانسته است عملکردش را حفظ کند

حمام ، خصوصاً در گرمخانه می شدند. چون فضای گربه رو دوده می گرفته و احتیاج به تمیز کردن داشته است ، معمولاً ابعاد آن را به اندازه ای می ساختند که یک نفر به طور خمیده بتواند وارد آن شود و تعمیرات احتمالی و یا نظافت آن را انجام دهد. روی گربه روها را با سنگهای ورقه مرمر و یا سنگهای مشابه می پوشاندند. این نوع سنگها نه تنها امکان تبادل حرارت بین گربه رو و فضای داخل حمام را میسر می کرده ، بلکه سطح آن از نظر دوام ، نظافت و شستشو ، بهتر از مصالح دیگر بوده است (قبادیان ، بی تا ، ۲۸۱).

امروزه حمام صفا با تغییراتی که از چند دهه گذشته در فضاهای مختلف آن به وجود آورده اند ، توانسته است عملکردش را حفظ کند. در گرمخانه ، ورودی خزینه را با تیغه ای آجری مسدود کرده اند و به جای آن شش دوش نصب کرده اند که در حال حاضر بخاطر کاهش مشتری سه دوش آن مورد استفاده قرار می گیرد و از تون حمام برای محل نصب تأسیسات جهت گرم کردن آب حمام استفاده شده است.

کارکردهای اجتماعی - فرهنگی حمام

۱- مبادله اطلاعات

حمام که احتیاج عمومی را از جهت نظافت و بعضی تکالیف مذهبی تأمین می کرده ، برای بالابردن سطح بهداشت و سلامت عمومی یک عامل بزرگ به حساب می آمده و از جهتی مرکز خبرها و اطلاعات اجتماعی نیز بوده است (باستانی پاریزی ، ۱۳۶۸ ، ۴۹).

در حمام صفا رخت کن و غرفه های آن نقش مهمی در تجمع افراد مختلف داشته است. اگر چه در سرینه حمام هیچ گونه تقسیم بندی در غرفه ها برای افراد خاص در نظر نگرفته بودند ، ولی نوعی تقسیم بندی ضمنی وجود داشت که افراد معتبر پس از خروج از گرمخانه در آنجا می نشستند و راجع به مسائل مختلف از جمله: کسب و کار ، حکومت ، مسائل جاری اتفاق افتاده ، بازار ، حوادث تلخ و شیرین ، نحوه عزاداری در ماه محرم ، صفر و ماه رمضان ، کمک به ایتم ، بیوه زنان و... به گفتگو می پرداختند و پس از اخذ تصمیمات لازم از حمام خارج می شدند.

۲- تفریح و گذراندن اوقات فراغت

در گذشته که وسایل ماشینی چون اتومبیل ، رادیو ، تلویزیون ، سینما و... برای مردم عادی وجود نداشت ، اگر فرصت و فراغتی برای آنها پیش می آمد ، وقت خود را به گفتگو و دید و بازدیدهای دوستانه سپری می کردند (راوندی ، ۱۳۷۱ ، ۵۴۷). همچنین حمام ، محل وقت گذرانی ، تفریح و ملاقات دوستانه بوده است. خصوصاً

هم دو لنگ خشک می آورد. مشتری لنگ خیس را از خود جدا می کرد و یکی از لنگهای خشک را به دور کمرش می بست و یکی را هم بر روی سر یا شانه اش می انداخت (نجمی، ۱۳۷۰، ۴۳۵). مشتری بعد از استحمام به هنگام خروج

از گرمخانه پاهای خود را در حوضچه آب می کشید و مجدداً به سرینه وارد می شد و در غرفه مخصوص خود می نشست و در حین استراحت و پذیرایی با دوستان خود به بحث و گفتگو می پرداخت. در این گفتگو، بسیاری از مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه مطرح و تصمیماتی گرفته می شد (ابراهیمی، ۱۳۸۲، ۱۸). اجرت و مزد کارگران حمام، هنگام خروج پرداخت می شد. میزان پول پرداختی بستگی به نحوه پذیرایی و مواد مصرفی مشتریان داشت (راوندی، ۱۳۷۲، ۴۹۷).

گرم کردن آب حمام

در زیر خزینه حمامها (مردانه و زنانه) دو دیگ بزرگ از جنس چدن در حد فاصل بین آب و آتش قرار داشت که به آنها تیان می گفتند. آب آنها به وسیله دو کوره جداگانه به نام تون که هر یک در ابعاد $۱/۵ \times ۲$ متر بود، گرم می شد. برای روشن کردن کوره ها و گرم نمودن تیانها از سرگین (فضولات حیوانات) که تا دهه های ۱۳۳۰ در شهر قزوین به وفور یافت می شد، استفاده می کردند. ضمناً از خارهای بیابان (ورک) جهت مشتعل شدن سریع فضولات استفاده می شد. برای تأمین سوخت حمامها یک نفر را استخدام کرده بودند تا سرگین مورد نیاز را از طویله های دامداران جمع آوری کند و آنها را توسط یک چهارپا تا نزدیک پشت بام حمام حمل نماید. بعد آن را به پشت بام انتقال دهد. پس از انتقال پهن ها به پشت بام، تون تاپ مقداری آب بر روی آنها می ریخت و با بالا زدن پاچه های شلوارش شروع می کرد به لگدمال کردن فضولات دامها. سپس آنها را با دست به شکل بیضی در می آورد و در گوشه ای از پشت بام قرار می داد تا خشک شوند. بعد از خشک شدن، آنها را به انباری که برای همین منظور ساخته شده بود، انتقال می داد و به تدریج از آنها استفاده می نمود.

ساختن کوره ها و مجراهای حمامها قواعدی عام داشت که برای تمام حمامها رعایت می شد. به این ترتیب که باید خزینه آب گرم و کوره زیر آن، در نقطه ای از حمام قرار گیرد که حرارت و دود حاصل از تون، از طریق دالانهای زیرزمینی که گربه رو، کوچه بندی و یا زیرکار خوانده می شدند به دودکشها انتقال پیدا کنند (شهری، ۱۳۷۰، ۵۱۹). این گربه روها از زیر کف حمام عبور داده می شدند و باعث انتقال حرارت در فضای

رسم چنین بود که مشتریان قبل از ورود به گرمخانه پای خود را در حوضچه ای می شستند و قدم به صحن گرمخانه می نهادند و بلافاصله وارد خزینه آب گرم می شدند و پس از مدتی ماندن در آب و خیس خوردن و نرم شدن بدن ، بیرون می آمدند تا به نظافت خود پردازند. بسیاری هم کار کیسه کشی را به دلاکها می سپردند (فتحی ، ۱۳۷۰ ، ۱۹).

استخر سرپوشیده در ابعاد ۴/۶۰ × ۸/۳۰ متر و با عمقی متفاوت از ۱۶۰ تا ۱۸۰ سانتی متر که در مجاور گرمخانه قرار دارد



ابتدا دلاک لنگ خشکی را برای او پهن می کرد و لنگ خشک دیگری را چنبر کرده و زیر سرش قرار می داد و شروع به کیسه کشی می کرد. البته دلاک این کار را برای محترمین انجام می داد و برای کیسه کشی افراد عادی از لنگ استفاده نمی کرد؛ بلکه آنها روی سنگ گرمخانه دراز می کشیدند و کیسه کش شروع به کیسه کشیدن می نمود. دلاک برای گرفتن انعام و خوش خدمتی گاهی با کیسه محکم بر اعضای بدن مشتری می کوفت و صدایی از آن بیرون می آورد و زمانی هم چرکهای لوله شده را در برابر چشم وی قرار می داد. سپس چند دلوچه آب بر سر و روی مشتری می ریخت. بعد مشتری را روی سکوی نزدیک حوضچه می نشاند و سر و تنش را لیف و صابون می زد. بعد از این کار، مشتری بار دیگر وارد خزینه می شد و وقتی بدن خود را خوب شست و شو می داد ، برای خارج شدن از خزینه با صدای بلند تقاضای خشک می کرد و یا به دلاک اشاره می کرد و دلاک هم با فریاد خشک ، خشک بیار ، سربینه دار را خبر می کرد و سربینه دار

و هدایتشان می‌کرد و مطابق شأن و مقام و سر و وضعشان لنگ نو یا نیمداری در کنارشان می‌گستراند و یا این که لنگ را دو تا کرده به طرفشان پرت می‌نمود. لنگی به منزله جا رختی آنها به حساب می‌آمده که می‌بایستی البسه خود را در آن بگذارند و لنگ دیگر را به کمر می‌بستند تا ستر عورت نمایند و وارد گرمخانه شوند. (شهری، ۱۳۷۰، ۴۷۶).

گرمخانه

سربینه از طریق یک راهرو و مارپیچ به طول تقریبی چهار متر به گرمخانه راه می‌یابد و سرویسه‌های بهداشتی در این راهرو قرار دارند. زیربنای گرمخانه همانند سربینه است. در وسط گرمخانه حوضی هشت بر از سنگ مرمر در ابعاد ۳×۳ متر و عمق ۸۰ سانتی متر قرار دارد. قبلاً به جای آن چهار حوضچه در ابعاد ۶۰×۶۰ سانتی متر قرار داشت که کف آنها را با سنگ مرمر پوشانده بودند. طاق گرمخانه همانند سربینه، گنبدی شکل است و هشت ستون طاق گنبدگون آن را بر دوش گرفته است. نور گرمخانه به همان طریقی تأمین می‌شد که در مورد سربینه توضیح داده شد. خزینه با چهار پله بالاتر از کف حمام و با عمق $۱/۵$ تا ۲ و در ابعاد ۵×۴ متر در قسمت جنوبی قرار گرفته بود. در طرفین خزینه دو دستک در ابعاد ۴×۴ متر مربع برای کودکان ساخته بودند تا از ورود آنها به داخل خزینه و احیاناً غرق شدنشان ممانعت به عمل آورند.

گرمخانه دارای چند بخش بود. آن بخش از گرمخانه که فوق العاده گرم بود، جهت

وزن کم کردن به ورزشکاران اختصاص گرمخانه دارای چند بخش بوده آن بخش از داشت. بخشی را که هوای آن ملایم تر بود، گرمخانه که فوق العاده گرم بود، جهت وزن کم برای افرادی که طبعی گرم داشتند در نظر کردن به ورزشکاران اختصاص داشت. بخشی گرفته بودند. برای افراد سرشناس که تمایلی را که هوای آن ملایم تر بود، برای افرادی که به استفاده از خزینه نداشتند، یک حوض طبعی گرم داشتند در نظر گرفته بودند

در ابعاد ۱۴۰×۷۵ سانتی متر ساخته بودند تا به جای وارد شدن در خزینه از آن حوض استفاده کنند. در شمال شرقی گرمخانه، نورخانه در ابعاد ۳×۴ متر قرار گرفته است. در مجاورت گرمخانه استخر سرپوشیده‌ای در ابعاد $۶۰ \times ۴ / ۸ / ۳۰$ متر و با عمقی متفاوت از ۱۶۰ تا ۱۸۰ سانتی متر مجهز به سکوی شیرجه برای شنا و گذراندن اوقات فراغت قرار داشت که در حال حاضر از آب تهی می‌باشد و چهار ستون سنگی طاق گنبدی شکل آن را به دوش می‌کشند. در ضمن از آب استخر به عنوان یک منبع ذخیره آب جهت پر کردن خزینه استفاده می‌شده است. بدین ترتیب در مواقعی که آب خزینه در اثر مصرف مشتریان کاهش می‌یافت، آب استخر را به وسیله لوله‌های سفالی به خزینه منتقل می‌کردند و یا با سطل این کار را انجام می‌دادند.

تصویر شیر سنگی که سنگ آبهای مدور بر روی آن نصب می‌گردید



روی آن می‌نشست و یک جام فلزی یا برنجی به نام دخل در مقابل او قرار داشت. کف سربینه را با سنگ مرمر پوشانده‌اند و بر روی آن در چند گوشه برای نشستن لنگ و پادری قرار داده‌اند. ضمناً در حال حاضر در فصل زمستان جهت گرم نگاه داشتن این فضا از یک بخاری گاز سوز استفاده می‌کنند.

صحن سربینه محوطه‌ای است که دو پله پایین‌تر از ایوان رخت‌کن قرار گرفته است. در وسط آن حوض آبی رنگ هشت ضلعی به عمق ۳۵ سانتی‌متر و ابعاد ۲×۲ متر مربع قرار دارد. جنس آن ابتدا از سنگ مرمر بوده است و داخلش را هم با کاشی آبی رنگ تزئین کرده بودند؛ ولی در حال حاضر داخلش را با سرامیک پوشانده‌اند و دارای فواره‌ای است. در اطراف حوض، چهار سنگ آب از سنگ مرمر نصب شده بود که به شکل شیر حجاری شده بود و پشت دو تا از شیرها سنگ آبهای مستدیر و در پشت دو تای دیگر، سنگ آبهای کشکولی قرار داشت (گلریز، ۱۳۶۸، ۳۲۴).

در حال حاضر هیچ‌یک از اشیاء یاد شده، در حمام وجود ندارند و آنها را برای محفوظ ماندن از دستبرد عتیقه‌دزدان در اختیار سازمان میراث فرهنگی قزوین قرار داده‌اند تا از آنها محافظت شود.

دور تا دور صحن سربینه کته‌های جاکفشی در ابعاد مختلف و از جنس سنگ مرمر ساخته‌اند و مشتریها با توجه به موقعیت اجتماعیشان، کفشهای خود را در آنها می‌گذاشتند و یا جامه‌دار کفشهای آنها را می‌گرفت و در جای مخصوص قرار می‌داد

سفالی را به اندازه یک نعلبکی در بررسی حمامهای سنتی از بُعد معماری ، می آوردند و به جای آن شیشه های رنگی اجتماعی ، فرهنگی ، مذهبی و... و حفظ و تعبیه می کردند. سپس این ظرف را روی مرمت آنها به عنوان میراث فرهنگی جهت گنبد قرار می دادند و دور تا دور آن را با شناساندن آنها به مردم و نسلهای آینده از ملات ساروج آب بندی می کردند و یا اهمیت ویژه ای برخوردار است گاهی مواقع از ورقه های نازک سنگ مرمر استفاده می کردند.

در شبها با توجه به تغییر زمان ، فانوس ، چراغ نفتی ، چراغ موشی و چراغ زنبوری به کار می بردند و بالاخره در حال حاضر به جای باجه ها ، نیم کره های شیشه ای در سقف قرار داده اند و از برق هم جهت روشنایی سربینه در روز و شب استفاده می شود. در اطراف دیوارهای رخت کن ، هجده طاقچه وجود داشت که از آنها برای قراردادن صابون ، لیف ، کیسه ، چای ، قند ، استکان نعلبکی ، بلور چینی و... جهت تزئین حمام استفاده می شد که در حال حاضر جلوی آنها را با یک تیغه پوشانده اند. در اطراف هشت بر سربینه غرفه هایی وجود داشت که مشتریان پس از درآوردن لباس خود ، آنها را در بقچه ای نهاده و ضمن گذاشتن آن در گوشه ای از غرفه با بستن لنگ به دور خود آماده رفتن به حمام می شدند. ضمناً در دو قسمت شرقی و غربی آن دو حوض وجود داشت که مشتریان در اطراف آن می نشستند و به گفتگو درباره مسائل مختلف روز می پرداختند. برای محترمین که تمایلی به گفتگو با دیگران نداشتند ، در کنار یکی از آن دو حوض صندلی قرار می دادند و تا خشک شدن بدنشان بر روی آن استراحت می کردند و در عین حال با چای از آنها پذیرایی می شد. در حدود سی سال پیش ، دور تا دور سربینه را به موازات دیوارها با ۷۰ قفسه چوبی بدون شیشه به طول ۱۴۰ و عرض ۳۸ سانتی متر به رنگ سفید برای قرار دادن لباس مشتریان و جا دادن لنگها و... جاسازی کرده اند. در ضمن در حال حاضر یک قفسه چوبی شیشه دار در ابعاد ۲۲۰×۲۰۰ سانتی متر به قفسه های قبلی اضافه نموده اند و اشیایی از قبیل جوراب ، لباسهای زیر ، ماشین ریش تراش ، کیسه ، لیف ، شامپو ، صابون و... را برای فروش در معرض دید مشتریان قرار داده اند. همچنین در ضلع جنوب غربی سربینه فضای کوچکی را به قهوه خانه اختصاص داده اند و با چای از مشتریان پذیرایی می کنند. در قسمت شمالی سربینه و نزدیک پله های ورودی ، میز فلزی ای که در پشت آن دخل قرار دارد با دو صندلی از همان جنس و تشکی کوچک بر روی یکی از آنها جهت نشستن استاد حمامی قرار دارد. قبلاً به جای این میز فلزی ، تخت چوبی یا نیمکت چوبی که با فرش مفروش شده بود ، قرار داشت و استاد حمامی

جهت ورود به پشت بام نصب کرده اند. در سمت راست پله‌ها یک نرده آهنی سفید رنگ به طول ۲/۱۰ متر و ارتفاع ۶۵ سانتی متر نصب شده است.

سرینه یا رخت کن

سرینه نخستین بخش حمام است که با دو در ورودی و با هفده پله و یک راهرو خمیده از خیابان اصلی جدا می‌شود. خمیدگی راهرو در گرم نگاهداشتن حمام نقش دارد و نمی‌گذارد که دمای یک بخش به آسانی با بخش دیگر در هم آمیزد. ضمناً راهرو برای جلوگیری از دید یک بخش به بخشهای دیگر مانع خوبی به شمار می‌آید. به طوری که اگر در ورودی گرمابه باز بماند، درون گرمابه از چشم رهگذران پنهان می‌ماند و سرمای بیرون به آسانی در فضای گرمابه رخنه نمی‌کند (جواهری، ۱۳۸۰، ۲۳۰). سرینه فضایی است هشت بر به وسعت تقریبی ۲۰۰ متر مربع، مشتمل بر هشت ستون سنگی یک تکه از جنس سنگ خارا. این محوطه را یک طاق گنبدی در وسط و شش نیم طاق در اطراف پوشانده است. در گذشته روشنایی حمام در روز از طریق نورگیرهایی سفالی که در رأس گنبدها قرار داشت، تأمین می‌شد. برای این منظور ظرف سفالی مانندی را به نام باجه بر بالای طاقهای گنبدی کار می‌گذاشتند و اطراف و رأس ظرف

سنگ آبهای مدور که بر پشت شیر سنگی قرار می‌گرفت، این سنگ آبها در حال حاضر در اختیار سازمان میراث فرهنگی قزوین قرار دارد



۴۱ متر و عرض ۲/۲۰ متر تخریب کرد و مالک آن به ناچار ورودی دیگری را برای آن در نظر گرفت. در طرفین ورودی حمام دو سرباز بر روی سنگ، حجاری شده است و در سردر حمام کتیبه‌ای مستطیل شکل به خط نستعلیق تعبیه کرده اند که تاریخ بنا را سال ۱۲۵۹ هـ. ق توسط حاجی حسن بن عبدالله تبریزی ذکر کرده و اشعار زیر در آن منقوش شده است:

این همایون طاق و این نزهت سرای دلپذیر
از صفایش اصفیا خوانند حمام صفا
الملک لله
چون شد از سعی شه ملک فنا محو علی
ابن خیرالحاج عبدالله تبریزی بنا
از پی تاریخ انجامش سروش غیب گفت
وه چه حمام صفا لایق باخوان صفا

(گلریز، ۱۳۶۸، ۳۲۵)

ورودی حمام با دوپله در ابعاد ۱۵۵×۳۵ سانتی متر و ارتفاع ۲۰ سانتی متر از جنس آجر و سنگ پایین تر از گذر عمومی با در چوبی دو لنگه به ارتفاع دو متر و عرض ۱۲۰ سانتی متر با رنگ قهوه‌ای تیره و با گل میخ‌های درشت و دو نوار آهنی پهن و نقش دار که جهت تزئین آن به کار برده اند، شروع می‌شود. بر روی هر لنگه در، کوبه‌ای نصب شده است. اهمیت محرمیت و حفظ حرمت و پوشش موجب شده بود که برای مردان و زنان دو کوبه جداگانه و با شکل‌های معین بر روی لنگه‌های در نصب گردد. کوبه‌ای که صدای بم داشت، مختص مردان بود و کوبه‌ای که صدای زیر داشت، مختص زنان بود (سلطان‌زاده، ۱۳۷۱، ۱۳). علت نصب دو کوبه بر روی دو لنگه در به این جهت بوده که از این حمام مردانه گاهی مواقع زن‌ها هم استفاده می‌کردند. پس از در ورودی، ده پله در ابعاد ۱۳۵×۳۵ و ارتفاع ۲۵ سانتی متر از جنس سنگ قرار دارد. بعد از آخرین پله، در دو لنگه چوبی بدون شیشه به طول ۱۸۵ سانتی متر و عرض ۱۰۰ سانتی متر با رنگ قهوه‌ای تیره قرار گرفته که یک لنگه آن همیشه بسته و لنگه دیگرش با یک تکه کش لاستیکی مهار شده است تا مانع خروج گرما شود. علت این که این در را نسبت به در اصلی کوچکتر می‌ساختند، از آن جهت بود که مشتریان با تواضع و فروتنی به این مکان پاک وارد شوند. این در با پنج پله به طول ۱۲۰ و عرض ۳۰ و ارتفاع ۲۵ سانتی متر از جنس موزائیک، راهرو ورودی را از سرینه جدا می‌کند. در راهرو ورودی یک در قهوه‌ای رنگ تیره در ابعاد ۱۸۵×۶۵ سانتی متر در دیوار

تبادل حرارتی بین فضای داخل و خارج حمام بوده و خاک اطراف دیوارها همانند یک عایق حرارتی عمل کرده و میزان تبادل حرارت بین داخل و خارج ساختمان را کم می کرده است. همچنین بدنه ضخیم حمام به علاوه خاک مجاور آن همانند یک خازن حرارتی عمل می کرده و در تعدیل نوسان درجه حرارت در داخل ساختمان مؤثر بوده است. از مزایای دیگر قرار گرفتن بنا در داخل زمین، مقاومت بهتر ساختمان در مقابل نیروی زلزله است. مزیت سوم و بسیار مهم دیگر آن امکان سوار شدن آب جاری در جویی است که از آب قنات سرچشمه می گرفته است (قبادیان، بی تا، ۲۸۳-۲۸۴).

نورگیر سفالی که در راس طاق گنبدی قرار گرفته است و روشنایی حمام را در روز تأمین می کند



حمام صفا دارای پنج آب انبار است. دو آب انبار آن با ظرفیتهای آبیگری صد و پنجاه و هفتاد هزار لیتر، برای مصارف سرویسهای بهداشتی استفاده می شود. دو آب انبار بزرگتر آن با ظرفیتهای آبیگری دو میلیون و چهار صد هزار لیتر برای شستشو و نظافت و بالاخره یک آب انبار هم برای آب نماها که ظرفیت آبیگری آن به جهت قرار گرفتن در زیر خیابان مشخص نیست، به کار می رود. این آب انبارها، آب مورد نیاز مشتریان را تأمین می کردند. آب انبارها تا قبل از وصل شدن حمام به شبکه آب شهری در سال ۱۳۴۷ شمسی، در فصل بهار آبیگری می شدند.

هنگام احداث خیابان مولوی، شهرداری قسمتی از حمام و ورودی آن را به طول

وجه تسمیه صفا و حاج محمد رحیم

واژه صفا در فرهنگ معین به معنی "پاک و بی غش و بی کدورت آمده است". عنوان صفا را از آن جهت برای این حمام انتخاب کرده اند که حمام نه تنها محل شستشو و تطهیر بدن از ناپاکیهاست ، بلکه آراستن و خودآرایی نیز می باشد. ضمناً چون این حمام در وسط بازارچه ای به نام حاج محمد رحیم ، فرزند اول حاج عبدالله قرار داشته ، نام این حمام از اسم حاج محمد رحیم ، مؤسس بازارچه ، مأخوذ گردیده است. حمام مذکور بعد از فوت حاج محمد حسن به دست ورثه او می افتد و مدتها به علت درگیری و اختلاف بین بازماندگان آن مرحوم ، حمام تعطیل می شود. در سال ۱۳۲۲ ، آقای علی اصغر سنماری سهام حمام را به قصد و نیت خیرخواهانه از بازماندگان آن مرحوم می خرد و چون خود به خاطر فعالیت‌های تجاری و ضیق وقت قادر به اداره آن نبود ، آن را به شخصی به نام حاج حسین جهت استفاده عموم اجاره می دهد که اجاره بهای حمام هم صرف هزینه های جاری حمام می شود. این حمام تا سال ۱۳۶۰ در اختیار نام برده بود. پس از فوت ایشان در سال مذکور آقای عبدالله سنماری ، آخرین فرزند آقای علی اصغر سنماری اداره حمام را به عهده می گیرد. در حال حاضر حمام صفا همه روزه از ساعت ۸ صبح تا ۹ شب با مدیریت ایشان دایر است.

سربینه و حوض هشت ضلعی آن که داخلش را با سرامیک پوشانده اند و دارای فواره ای هم در وسط است



معماری حمام شوشکا حمام صفا با ارتفاع متغیر از شش تا نه متر پائین تر از سطح زمین و بازیربنایی به وسعت ۱۶۷۰ متر مربع و با مصالحی از قبیل آجر قرمز ، سنگ مرمر و ساروج ، در انتهای خیابان مولوی شهر قزوین احداث شده است. علت قرار گرفتن حمام در عمق زمین ، جهت کاهش

روش تحقیق

روش تحقیق در این طرح ، مطالعه اسناد و مدارکی بوده که توسط محققین مختلف در زمینه حمام در مناطق جغرافیایی متفاوت صورت گرفته است. سپس اطلاعات مورد نیاز طی چند ماه متوالی و در روزهای مختلف با حضور در محل از طریق مشاهده ، مصاحبه و طرح پرسشهای از قبل تدوین شده ، جمع آوری شده است.

اهداف

- ۱- بررسی معماری حمام صفا و کارآیی اجزاء تشکیل دهنده آن در ارتباط با نیاز مراجعه کنندگانش ؛ زیرا استحمام شامل مراحل مختلفی بوده است. از این جهت حمامهای سنتی دارای فضاهایی با کارکردهای مختلف بوده اند.
- ۲- بررسی کارکردهای اجتماعی - فرهنگی آن و نقشی که حمام در وابستگیها و تعلق اجتماعی و شرکت فعال در حیات جمعی فراهم می کرده است.

بنیانگذار حمام صفا

سر دودمان خاندان امینی ، حاج عبدالله تبریزی است. احتمال می رود مشارالیه به واسطه جنگ ایران و روس در زمان فتحعلی شاه از تبریز به قزوین مهاجرت کرده باشد. حاج عبدالله ، پنج پسر به نامهای: حاج محمد رحیم ، حاج محمد حسن ، حاج محمدعلی ، حاج محمد ابراهیم و حاج محمد حسین داشت. پسر دوم ایشان ، حاج محمد حسن ، مردی وارسته و درویش مسلک بود. حمامهای مردانه و زنانه صفا ، معروف به حاج محمد رحیم را او بنا کرده است (گلریز ، ۱۳۶۸ ، ۳۲۴-۳۲۵).

ورودی حمام که در سر در آن کتیبه ای مستطیل شکل تعبیه کرده اند و در طرفین ورودی دو سرباز بر روی سنگ حجاری شده است



- ۱- ابراهیمی، معصومه: سربینه و کاربری آن در گرمابه های عمومی، خلاصه مقاله های همایش حمام در فرهنگ ایرانی، سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲.
- ۲- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم: گنجعلیخان، انتشارات اساطیر، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۸.
- ۳- پیرنیا، محمد کریم: آشنایی با معماری اسلامی، دانشگاه علم و صنعت، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۴.
- ۴- پولاک، یاکوب ادوارد: سفرنامه (ایران و ایرانیان)، ترجمه کیکاوس جهاننداری، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۱.
- ۵- جواهری، پرهام؛ جواهری، محسن: چاره ی آب در تاریخ فارس، جلد دوم، گنجینه ملی آب ایران و کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰.
- ۶- بیس، دانیل؛ پلاک، فرد: انسان شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵.
- ۷- راوندی، مرتضی: تاریخ اجتماعی ایران، جلد پنجم، انتشارات نگاه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۲.
- ۸- سلطان زاده، حسین: فضاها و ورودی خانه های تهران قدیم، دفتر پژوهشهای فرهنگی با همکاری شهرداری تهران، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۹- شهری، جعفر: طهران قدیم، جلد اول، انتشارات معین، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۰.
- ۱۰- فتحی، هوشنگ: سونا، موسسه فرهنگ، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰.
- ۱۱- قبادیان، وحید: بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۲۳۴۴، شماره مسلسل ۳۸۷۳، بی تا.
- ۱۲- گلریز، سید محمد علی: مینودر یا یاب الجنه قزوین، جلد اول، انتشارات طه، چاپ دوم، قزوین، ۱۳۶۸.
- ۱۳- محمودی، عباسعلی: آب و بهداشت در اسلام، دفتر تحقیق و نشر بهاران، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰.
- ۱۴- معین، محمد: فرهنگ فارسی، جلد دوم، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، تهران، ۱۳۶۳.
- ۱۵- نراقی، حسن: حمامهای قدیمی ایران، ماهنامه ساختمان، بهمن و اسفند ۱۳۶۸.
- ۱۶- نجمی، ناصر: طهران عهد ناصری، انتشارات عطار، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۰.
- ۱۷- نجفی، ابوالحسن: فرهنگ فارسی عامیانه، جلد اول و دوم، انتشارات نیلوفر، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۸- ورجاوند، پرویز: ترنا بازی: دایره المعارف تشیع، جلد چهارم، بنیاد خیریه و فرهنگی شط، تهران، ۱۳۷۳.
- ۱۹- همایون، صادق: فرهنگ مردم سروستان، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
- ۲۰- هانری، رنه دالمانی: از خراسان تا بختیاری، ترجمه غلامرضا سمیعی، جلد اول، نشر طاوس، تهران، ۱۳۷۸.